

امربه معروف و نه از منکر

فتنه عن

با معرف

امروز



مرکز پژوهش‌های اسلامی دانشگاه شیراز
ستاد اجیاد امربه معروف و نه از منکر استان فارس

فهرست مقالات

عنوان.....	
علم نافع و ویژگی‌های تعلیم و تعلم منطبق با معروف اسلامی (آقای دکتر بهرام اخوان کاظمی)	۱
پویش مفهوم و شیوه‌ی اجرای امر به معروف و نهی از منکر در اسلام (آقای دکتر علی اکبر ایزدی فرد/آقای حسین کاویار)،.....	۱۶
پویش مفهوم و شیوه‌ی اجرای امر به معروف و نهی از منکر در اسلام (آقای مصطفی بخرد).	۳۴
نظریه قبض- ظهور: تبیینی راهبردی و انگیزشی برای امر به معروف و نهی از منکر (آقای دکتر سید محمد رضا تقوی).....	۴۸
بررسی ابزارهای تکنولوژیک در ترویج امر به معروف و نهی از منکر (آقای منصور درویش تقویضی).	۵۶
بررسی مقدماتی رابطه‌ی جهت گیری مذهبی، جنسیت و نگرش نسبت به امر به معروف و نهی از منکر (آقای دکتر فرهاد خرمائی/خانم پریناز عباسی).	۷۹
تبیین مولفه‌های نظریه اشتیاق به عمل خیر در بررسی مفهوم امر به معروف و نهی از منکر (آقای دکتر مزیدی).....	۹۵
خشونت، پلورالیسم و امر به معروف.(آقای دکتر عبدالحسین رضایی‌راد).....	۱۰۲
تبعات دولتی شدن امر به معروف .(آقای دکتر عبدالحسین رضایی‌راد).....	۱۱۶
معروف و منکر در روش شناسی (آقای دکتر سعید زاهد...).	۱۳۸
مفهوم و جایگاه «امر به معروف و نهی از منکر از منظر عقل و دین (آقای دکتر علی محمد ساجدی)	۱۴۹
تقدم امر به معروف بر نهی از منکر مبنای تقدم پیشگیری از جرم بر مجازات (آقای دکتر محمد جواد سلمانپور).....	۱۷۰
امر به معروف و نهی از منکر سرلوحه‌ی دعوت همه‌ی پیامبران الهی (آقای دکتر سید رضا سلیمانزاده نجفی).	۱۸۱
مطالعات روش شناختی در حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر (آقای دکتر محمد رضا شرفی).	۱۹۶
فرایند معروف سازی در سیره نبوی (آقای دکتر شکرالله خاکرند).....	۲۱۶
امر به معروف و نهی از منکر، شرایط و جوب، آسیب‌ها و راه کارها (آقای سیاوش طهماسبی‌پور/ خانم آذر تاجور).	۲۴۱
تعامل «امربه معروف» و «نهی از منکر» با «حفظ حریم خصوصی (آقای دکتر ابوالفضل غفاری/ خانم اعظم تجری).	۲۶۱
آسیب شناسی امر به معروف و نهی از منکر در دوره‌های تاریخی (آقای محمود فتح‌آبادی).	۲۷۳
نظارت و اصل امر به معروف و نهی از منکر (آقای دکتر محمد حسین مردانی نوکنده).	۲۹۸
بازتولید امر به معروف و نهی از منکر در گستره رشد (آقای دکتر مزیدی/ خانم ساره احمدی).	۳۲۸
نگاهی به امربه معروف و نهی از منکر در آیین مسیحیت، یهود و زرتشت (خانم محدثه معتمد جهرمی)....	۳۳۷
معروف چیست و منکر کدام است؟ (آقای محسن مکارم).	۳۵۵
امر به معروف و نهی از منکر با نظر به فطرت(خانم مرضیه نوذری/خانم ساره جوشن)	۳۶۱

تعامل «امر به معروف» و «نهی از منکر» با «حفظ حریم خصوصی»

ابوالفضل غفار

اعظم تجر

چکیده:

حریم خصوصی^{۲۹۷} را می‌توان قلمروی از زندگی هر فرد دانست که انتظار دارد دیگران بدون رضایتش به آن وارد نشوند، یا به اطلاع آن قلمرو دسترسی نداشته باشند. منازل و اماكن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم‌ترین عرصه‌های خصوصی هستند. امروزه حمایت از حریم خصوصی افراد از دغدغه‌های جدی جوامع و زاییده‌ی تحولات سده‌ی اخیر است که در هر جوامع کمی دیر یا زود به وقوع پیوسته یا به وقوع خواهد پیوست. همچنین می‌توان به دیدگاه اولمنیستها اشاره کرد که برای انسان به آزادی و حق انتخاب هستند و در برابر این حق انسان را مستول می‌دانند.

از سوی دیگر از منظر دینی، «امر به معروف» و «نهی از منکر» همواره مورد تأکید بوده است. در احکام دینی به همه‌ی واجبات مستحبات، معروف و به همه محramات و مکروهات، منکر گفته می‌شود؛ بنابراین واداشتن افراد جامع به کارهای واجب و مستحب «امر معروف» و بازداشت آنها از کارهای حرام و مکروه «نهی از منکر» است. در وهله اول ممکن از «امر به معروف» و «نهی از منکر»، تجاوز حق و حریم دیگران برداشت شود. اما در احادیث و روایات به کرات درباره‌ی رعایت حریم دیگران تأکید شده است؛ از جمله‌ی این موارد ممنوعیت تجسس و تحسس، ممنوعیت ورود به منازل بدون استیدان، ممنوعیت استراق سمع، ممنوعیت استراق بصر و مانند این‌هاست. دقت در این دستورها از منظر معروف و منکر، همه‌ی این ممنوعیت‌ها در خصوص ورود به حریم افراد، منکر است و از همین روست اسلام همواره از آنها نهی کرده است.

در این نوشتار، توجه به فریضه‌ی «امر به معروف» و «نهی از منکر» در تعامل با حفظ حریم خصوصی افراد، مورد توجه قرار گرفت. است و هدف پاسخگویی به سوال‌های زیر است:

سؤال ۱: آیا می‌توان عمل به فریضه‌ی «امر به معروف» و «نهی از منکر» را، نوعی تجاوز به حریم خصوصی افراد دانست؟

سؤال ۲: آیا اصولاً برقراری جامعه‌ای کامل یا به عبارتی مدینه‌ی فاضله، بدون نقد و انتقاد از رفتار یکدیگر، امکان‌پذیر است؟

«امر به معروف» و «نهی از منکر» شرایطی دارد که از جمله می‌توان به آگاهی از معروف و منکر و احتمال تأثیر نام برد. روشن شد نحوه‌ی تعامل در این فریضه با «حفظ حریم خصوصی» می‌تواند به پیش‌گیری از سوءاستفاده یا آسیب‌های احتمال در این زمینه کم کند. معمولاً در مواجهه با این انتقاد که «امر به معروف» و «نهی از منکر»، منجر به تجاوز به «حریم خصوصی» می‌شود، یکی از گرینه «امر به معروف» و «نهی از منکر» است؛ اما به نظر می‌رسد برای بریایی جامعه‌ای قانون‌مند، باید اصل «امر به معروف» و «نهی از منکر» به جا آورد. در نظام فکری و حقوقی اسلام، قوانین و مقررات اجتماعی، امری توافقی بین افراد نیست، بلکه جامعه دارای شخصیت حقوقی است. جامعه‌ای که در آن تکالیف و حقوق هر کس مشخص است و نظام حقوقی و سیاسی، از پیش معروفها و منکرها و باید ها و نباید ها معین کرده و به شهروندان معرفی نموده است؛ و در پرتو این قوانین افراد مطلع می‌توانند رسالت «امر به معروف» و «نهی از منکر» را عهده بگیرند.

مقدمه

«امر به معروف و نهی از منکر» اساسی‌ترین حکم از احکام شرع اسلام است. چرا که این قانون عرصه را برای اجرا شدن تمامی اصول و فروع فراهم می‌کند. جهاد هم با همه‌ی عظمت، در حقیقت نوع برتر «امر به معروف و نهی از منکر» است. «و بها تقدم الفرائض»، یعنی همه‌ی فرایض و بایسته‌ها در گرو امر به خوبی‌ها و نهی از زشتی‌ها و پلیدی‌هاست. تأسیس هر حکومت حق، جز با عمل به این فرضیه و وظیفه، و آگاهی جامعه‌ها، امکان عملی نخواهد داشت.

امام خمینی(۱۳۷۹) در خصوص اهمیت «امر به معروف و نهی از منکر» می‌فرمایند: بعثت پیغمبران و دعوت اولیای خدا و شهادت مردان حق... مقدمه‌ی گسترش توحید و تحصیل معرفت صحیح از خدا و عالم است^{۲۹۸}، تمامی تعالیم انبیا و تهذیب‌ها برای نجات بشر از تاریکی‌ها و ورود انسان به نور است و نور جز حق تعالی نیست^{۲۹۹}. امام حسین علیه السلام (نقل از اصغری، ۱۳۷۸) در جریان نهضت عاشورا در بیان علت قیام خود، فرمودند: «آنما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی و ارید أن آمر بالمعروف و أنهی عن المنکر و اسیر بسیرة جدی و ابی على بن ابی طالب».«

اسلام به تمامی آنچه در ایجاد و استمرار و اصلاح جامعه‌ی اسلامی و انسان مسلمان دخالت دارد توجه کرده است. و اگذاری مردم به خود و برخورد نکردن در برابر کژی‌ها و عدم تلاش برای تحقق راستی‌ها، به معنای نابودی جامعه‌ی اسلامی است. تذکر و تنبه و توجه همگانی و مسئولیت همگانی است که جامعه را اصلاح و از خطرها و گزندها محفوظ می‌دارد. از سوی دیگر «انتخاب احسن» که با توجه به عصر نزول قرآن، از افتخارات بلکه از معجزات است، بدون فرهنگ نقد و انتقاد و استماع جامع‌ترین قول یا صحیح‌ترین نظر ممکن نیست(اصغری، ۱۳۷۸).

کتاب و سنت، دو منبع اصلی اسلام، در بر دارنده‌ی بیشترین سفارش‌ها و تأکیدها پیرامون این دو واجب می‌باشد. سیزده آیه در قرآن مجید به صراحةً به آن اشاره دارد. در سنت گفتاری و رفتاری پیغمبر (ص) و اهل بیت - علیهم السلام - «امر به معروف و نهی از منکر» درخشش و روشنی به سزاگی دارد و در دعاهای و زیارت‌های رسیده از خاندان پیغمبر (ص) به آن توجه شده است^{۳۰۰}(انصاری، ۱۳۷۹).

تعريف مفاهیم کلیدی:

معروف و منکر: اهل لغت واژه‌ی «معروف» را پسندیده، معلوم، خوب، عمل نیکو و شناخته شده معنی کرده‌اند و «منکر» را بد، ناپسند، عمل زشت و ناروا دانسته‌اند. فقهاء در تعاریف فقهی و اصطلاحی واژگان «معروف و منکر» چنین نوشته‌اند: «معروف» هر کار خوب و پسندیده‌ای است که از طرف شارع به نیکی توصیف شده و فاعل آن، به خوبی و نیکی آن عمل آگاه است، و یا به آن (نیک بودن عمل) راهنمایی شده است، و «منکر» هر ناپسند و زشتی است که فاعل آن، زشتی و قباحت آن را شناخته و یا به آن(زشتی عمل) ارشاد و راهنمایی شده است(اصغری، ۱۳۷۸).

صاحب شرایع‌الاسلام، در تعریف «امر به معروف و نهی از منکر» گفته است: معروف به هر کار نیکوبی گفته می‌شود که وصف آن زیاده بر حسن اوست و انجام دهنده به آن معرفت داشته باشد یا دلیلی بر معرفت او وجود داشته باشد؛ و منکر به هر کار زشتی اطلاق می-شود که انجام‌دهنده به زشتی آن آگاه باشد یا دلیلی بر این آگاهی او باشد.

به بیان دیگر، در احکام دین، به تمام واجبات و مستحبات معروف و به تمام محرمات و مکروهات منکر گفته می‌شود؛ بنابراین واداشتن افراد جامعه به انجام کارهای واجب و مستحب، امر به معروف و بازداشت آنها از کارهای حرام و مکروه نهی از منکر است(نقل از فلاح زاده، ۱۳۸۴).

۲۹۸- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۷۱.

۲۹۹- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۸۳.

۳۰۰- برای نمونه به زیارت جامعه کبیره و زیارت امیرالمؤمنین و امام حسین و امام رضا - علیهم السلام - مراجعه شود.

حریم خصوصی^{۳۰۱}:

درباره‌ی تعریف حریم خصوصی هنوز تعریف متقن و مشخصی وجود ندارد. حریم خصوصی مفهومی سیال است که امروزه از جمله آزادی وجود و اندیشه، کنترل بر جسم خود، داشتن خلوت و تنها بی در منزل و مکان خصوصی، کنترل بر اطلاعات شخصی، رهایی از نظارت‌های سمعی و بصری دیگران، حمایت از حیثیت و اعتبار خود و حمایت در برابر تفتیش‌ها و تجسس‌ها و رهگیری‌ها را شامل می‌شود. فلاسفه‌ی حال و گذشته، نظریه‌پردازان حقوقی همواره از دشواری ارائه‌ی تعریف اقناع‌کننده از مفهوم حریم خصوصی شکوه دارند؛ برای مثال برخی صاحب‌نظران درباره‌ی تعریف حریم خصوصی چنین اظهار کردند:

جان لاک^{۳۰۲} (به نقل از انصاری، ۱۳۸۶) می‌گوید: «هر انسانی در درون خود یک قلمرو شخصی دارد»، و تأکید می‌کند: «هیچ‌کس غیر از خود شخص حقی برای ورود به این قلمرو را ندارد»^{۳۰۳}

آلن وستین^{۳۰۴} در کتابی با عنوان «حریم خصوصی و آزادی»^{۳۰۵}، پیشنهاد می‌کند: حریم خصوصی، کنترل شخص بر توزیع اطلاعات مربوط به خود است.

برخی پژوهشگران حریم خصوصی را، [حق] انزوا و کناره‌گیری و نداشتن تعامل تعریف می‌کنند (آلمن، ۱۳۸۲).

دو رویکرد مختلف در مورد مستقل بودن حق حریم خصوصی از سایر حقوق وجود دارد:

۱- برخی علماء با رویکردی شکاکانه حق حریم خصوصی را برسی می‌کنند. مهم‌ترین ادعای این افراد آن است که حق مستقلی به عنوان حق حریم خصوصی وجود ندارد و حق مذکور، مفاد و موضوع تازه‌ای ندارد و مطلب خاصی را هم نمی‌گوید؛ زیرا هر امری را که به عنوان امر خصوصی، مورد حمایت حق حریم خصوصی قرار می‌گیرد، می‌توان در قالب دیگر نفع‌ها یا حق او، به ویژه حق مالکیت و حق امنیت و حق تمامیت جسمی مورد حمایت قرار داد. از این گروه به «تحویل گرایان»^{۳۰۶} یاد می‌شود. در فرانسه و آلمان و سایر کشورهای عضو خانواده‌ی حقوقی «حقوق نوشته» (مبتنی بر قوانین حقوقی کشوری مثل کد ناپلئون)، این گرایش غلبه دارد.

۲- بسیاری دیگر از نظریه‌پردازان بر این باورند که حق حریم خصوصی مفهومی مستقل و جدا از سایر حقوق فردی است. این گرایش در آمریکا و انگلستان و سایر کشورهای عضو خانواده‌ی «کامن لا»^{۳۰۷} (مبتنی بر رویه‌ی دادگاهها)، غلبه دارد. اینان تعاریف مختلفی از حریم خصوصی ارائه کرده‌اند:

- حریم خصوصی، عبارت از حق تنها ماندن است.

- حریم خصوصی، یعنی دسترسی محدود دیگران به انسان و توانایی ایجاد مانع در برابر دسترسی‌های ناخواسته و ناخوانده به انسان.

- حریم خصوصی، یعنی محروم‌گی^{۳۰۸} و پنهان ساختن برخی امور از دیگران.

- حریم خصوصی، یعنی کنترل بر اطلاعات شخصی.

- حریم خصوصی، یعنی حمایت از شخصیت و کرامت.

³⁰¹ - Privacy

³⁰² - John Locke

³⁰³ - Alan F. Westin

³⁰⁴ - Privacy and Freedom

³⁰⁵ - Reductionists

³⁰⁶ - Common law

³⁰⁷ - Duplicity

بیان مسأله :

در سوره «عصر» می‌خوانیم: «سوگند به عصر که انسان در ضرر و زیان است، مگر کسانی که ایمان آورند، و کارهای نیک انجام دادند، و یکدیگر را به حق و راستی و به صبر و استقامت، سفارش نمودند». این سوره افزون بر در مکه نازل شد، نزول آن نیز در آغاز بعثت بوده است، که این امر خود گواهی بر اهمیت این دو فریضه‌ی مهم است (نوری، ۱۳۷۵).

در شأن این دو وظیفه‌ی مهم، تعبیری رستار و کامل‌تر از آنچه در سخن اهل بیت وحی و عصمت آمده است نمی‌باشد. مولا علی(ع) می‌فرماید: تمام کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا، در برابر «امر به معروف و نهی از منکر»، همچون آب دهان در برابر دریای پهناور است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امر به معروف و نهی از منکر»، روش پیامبران و شیوه‌ی صالحان و فریضه‌ی بزرگ الهی است که سایر فرائض و واجبات به وسیله‌ی آن برپا می‌شوند و در پرتو آن راهها من می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود و حقوق افراد تأمین می‌شود و زمین‌ها آباد، و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و همه‌ی کارها روبراه می‌گردد. و در آغاز این حدیث، این دو فریضه به عنوان عالی‌ترین و شریفترین وظایف واجب دینی یاد شده است.

از سوی دیگر، شواهد و قرائن حاکی از عدم اقامه‌ی این واجب شرعی به میزان کافی در بین افراد ملتزم به دین‌داری و علاقمند به نشر احکام دینی در جامعه‌ی دینی است. بر کسی پوشیده نیست که نه «امر به معروف و نهی از منکر»، از جمله واجباتی است که در صورت پرداختن دیگران به آن، از بعضی دیگر ساقط شود و نه وضعیت دینی کنونی جامعه چنان است که مسئولیت «امر به معروف و نهی از منکر»، از متدينین ساقط شده باشد. به نظر می‌رسد باید از منظر آسیب‌شناسی به موضوع توجه نمود تا علل ترک یا کم توجهی به این فریضه به درستی شناسایی شوند.

این عوامل را می‌توان در ابعاد دین‌شناختی^{۳۰۸}، جامعه‌شناختی^{۳۰۹} و روان‌شناختی^{۳۱۰} مورد بررسی قرار داد. در ادامه به برخی از عوامل اشاره شده است: نشناختن تکلیف دینی و یا مصداق‌های معروف و منکر، شرایط آن و یا روش‌های عمل به آن، عدم تفکیک دقیق مسئولیت نهادهای اجتماعی و مسئولیت انفرادی «امر به معروف و نهی از منکر» در جامعه‌ی اسلامی، ضعف ارتباط برادرانه‌ی اسلامی بین افراد جامعه، تعدد معروف‌های مهجور و منکرهای رایج در جامعه، نگرانی از ورود به حریم خصوصی افراد و نگرانی از سمعه و ریا.

افراد متدين در هنگام احساس تکلیف برای «امر به معروف و نهی از منکر»، اشتغالات ذهنی گوناگونی را تجربه می‌کنند که بعضاً موجب تردید یا ترک عمل می‌شود؛ به طور مثال این که آیا هدف من از امر به معروف، این است که خود را به دیگری بهتر بنمایانم (نگرانی از ریا و درک نادرست از مفهوم ریا)، آیا من می‌خواهم نهی از منکر نمایم چون از این فرد خاص و یا این رفتار خاص خوش نمی‌آید (جنبه‌ی عاطفی دارد نه دینی)، نکند من هدفم از «امر به معروف یا نهی از منکر» این است که می‌خواهم او را به رنگ خود درآورم تا اعتقاداتم متزلزل نشود و یا این که چون من نمی‌توانم مثل او رفتار کنم پس او باید مثل من عمل نماید، شاید من معروف و منکر را به درستی نشناخته باشم و خودم مرتکب منکر دیگری بشوم، شاید این کار جنبه‌ی خصوصی داشته باشد و من حق دخالت در کار خصوصی دیگران را نداشته باشم، هدف این نوشتار بررسی موضوع از زاویه‌ی نگرانی ورود به حریم خصوصی افراد است.

به هر حال، علی‌رغم تمام مباحث عنوان شده و توصیه‌های اکید در این زمینه، به نظر می‌رسد که بر سر راه اجرای این دو فریضه موافقی وجود دارد. دو فریضه را می‌توان برای این امر در نظر گرفت:

- ۱- عدم اجرا متوجه کسانی است که ملتزم به این امر هستند؛ برخی از آنها تصور می‌کنند با وارد شدن به این حوزه، به حریم خصوصی افراد تجاوز می‌کنند.

³⁰⁸ - Theological

³⁰⁹ - Sociological

³¹⁰ - Psychological

مفهوم سازی، نظریه بردازی و نوآوری در حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

۲- عدم اجرا به دلیل مقاومت افرادی است که مورد «امر به معروف و نهی از منکر» قرار می‌گیرند؛ بهویژه به این دلیل که بسیاری از این افراد هم معتقدند این امر تجاوز به حریم خصوصی آنهاست.

با توجه به مباحث عنوان شده حال می‌توان به این مسئله پرداخت که آیا «امر به معروف و نهی از منکر»، و یا حتی امر تربیت، اصلاحات اجتماعی و وضع قوانین، تجاوز به حریم خصوصی افراد است و با آزادی انسان منافات دارد؟ و آیا می‌توان به دلایل ذکر شده، از این اصل اساسی و زیربنایی چشم پوشی کرد؟ در این مقاله از منظر دین، قانون، فلسفه و روان‌شناسی به این بحث پرداخته خواهد شد.

رعایت حریم خصوصی از منظر متفکران مسلمان و غیرمسلمان:

سنت پیامبر(ص) و ائمه‌ی اطهار(ع) و سیره‌ی مسلمانان، سرشار از توصیه‌هایی در پرهیز از نقض مصاديق مختلف حریم خصوصی است. احترام به حریم خصوصی دیگران از توصیه‌های اکید اسلام است. البته، اصطلاح «حریم خصوصی» نه در آیات قرآن و نه در روایات اسلامی به طور مستقیم به کار نرفته است و موضع اسلام در برخورد با حریم خصوصی، موضوع تحويل گرایانه است.

با وجود پیشینه‌ی کوتاه غرب در حمایت از حریم خصوصی، با توجه به موارد عنوان شده می‌توان به راحتی دریافت که اسلام هیچ‌گاه از حمایت از حریم افراد غافل نبوده است و این امر در اسلام از قدمت بسیاری برخوردار است. حریم خصوصی منازل، ارتباطات، امور خصوصی و افکار و عقاید شخصی و اموال، از صدر اسلام، مورد تأکید قرار گرفته است. در حالی که نخستین جرقه‌های حمایت جدی از حریم خصوصی حتی در موضع تحويل گرایانه سنت غرب به سده‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی برمی‌گردد.

امام خمینی در این باب می‌فرمایند: سزاوار است آمر به معروف و ناهی از منکر، در شیوه‌ی امر و نهی، چون طبیب معالج و مشقق، و پدری مهربان و بسیار دلسوز باشد که «مصلحت مرتكب منکر» را ملاحظه کند، و انکار و نهی او، به منظور لطف و رحمت باشد، بر مرتكب؛ خصوصاً و بر امت و عامت عموماً. در این بیان همه‌ی درجات و مراتب نهفته است و گفته‌ی امیرالمؤمنین را تداعی می‌کند که گویا در معرفی پیامبر می‌فرماید: «طبیب دور بطبه»، و طبیبی که دائماً بر بالین بیمار خود دور می‌زند و نگهبان اوست. می‌دانیم که امر و نهی جز با این شرط و شروط، نه تأثیر مثبت که اثر منفی و مخرب خواهد داشت. سخن امام خمینی در این فراز، به خصوص به عنوان یک مرجع بزرگ، زیبا و شگفت‌انگیز است(اصغری، ۱۳۷۵)، از این بیان مشخص می‌شود که نگرانی فرد متدين در خصوص تجاوز به حریم خصوصی، بجا و پسندیده است. منکر یک فعل است که از یک انسان صادر می‌شود؛ انجام یک فعل حرام، باعث نمی‌شود که شکستن حرمت انسانی که به طور بالقوه امکان توبه در او وجود دارد مجاز شمرده شود.

ابوحامد امام محمد غزالی، سخنی بسیار شیوا در پنهانی کار و عظمت این دو فریضه دارد. سخن او این گونه آغاز می‌شود: «امر به معروف و نهی از منکر» قطب اعظم و بزرگ‌ترین محور دین است. انسان عمد و مهمی که خداوند همه‌ی پیامبران را به خاطر آن برانگیخت. اگر طومار این امر عظیم در هم پیچیده شود، و در علم و عمل مهمل انگاشته گردد، یقیناً بیوت تعطیل و بیهوده گشته و دین نابود و مض محل می‌شود(به نقل از نوری، ۱۳۷۵). البته «امر به معروف و نهی از منکر» درجات و مراتب و شرایطی دارد که فرد امر و نهی کننده باید از این احکام اطلاع داشته باشد.

غزالی برای این امر مراتبی را یادآوری می‌کند که از نظر فردی و اجتماعی و روان‌شناسی قابل تأمل است. او می‌نویسد(به نقل از اصغری، ۱۳۷۵)؛ نخستین گام همانا «تعزف» است و سپس «تعريف»؛ پس از آن «نهی» سپس «وعظ و نصیحت»، آنگاه «سرزنش و خشونت»، بعد از آن «اقدام و تغییر با دست»، سپس «تهذید به زدن»، آنگاه «اقدام به زدن»، پس از آن «برهنه کردن شمشیر» و پس از آن «کمک خواستن و تدارک نیرو و لشکر». تمامی این مراحل باید در مورد اعمالی صورت بگیرد که به صورت آشکارا رخداده، و تجسس و سرک کشیدن ممنوع و منهی عنده است. بر این اساس، ورود به عرصه قضاوت در خصوص نیت و قصد افراد(مثل قصد ریا یا تفاخر یا نظری اینها)، نیز تکلیف مشخص است. مصادره به مطلوب نمودن، سهولی تلقی نمودن، تغافل، حمل به صحت کردن و دستورهای مشابه دیگر درباره‌ی قضاوت در مورد دیگران، همه دلالت بر حفظ حرمت و کرامت انسان دارند.

هرگز جایز نیست که استراق سمع از خانه‌ی دیگران کنیم تا صدایها را بشنویم، یا استشاق نماییم تا مثلاً بُوی مشروبات را احساس کنیم، یا لباس کسی را با دست و لمس کردن وارسی نمائیم تا آنچه را که پنهان کرده بشناسیم. همچنین جایز نیست که از آنچه در خانه‌ی همسایه می‌گذرد، تجسس یا جاسوسی کنیم، یا از کسی درباره‌ی نهانخانه‌ی منازل مردم خبر بگیریم، گفته‌اند نقش خاتم لقمان چنین نوشته بود: «نهان داشتن و پوشیدن آنچه دیده‌ای، بهتر از پخش کردن و گستراندن چیزی است که گمان کرده‌ای».

انسان شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی می‌گویند: نیاز به حریم خصوصی امری بسیار ریشه‌دار و فطری است که تنها به انسان محدود نمی‌شود، بنابراین تفکیک حوزه‌ی عمومی از خصوصی به یک معنا قدمتی به امتداد حیات انسانی دارد. تحقیقات مردم شناسی^{۳۱۱} نشان می‌دهد در تمام جوامع، اماکن خاصی را محدود می‌کرده‌اند و حضور در اماکن خاصی را منوع می‌دانسته‌اند. برخی از نویسنده‌گان؛ پیشینه‌ی بحث درباره‌ی حریم خصوصی را به دوران رم و یونان باستان نسبت می‌دهند. در رم قدیم «Injuria^{۳۱۲}»، که به عنوان یک فعل مجرمانه تلقی می‌شد، مبتنی بر عملی بود که حرمت و حیثیت انسان را مخدوش می‌کرد. مشابه آن در اسکاتلند لفظ «Convicinm» وجود دارد که گفته شده فعل مجرمانه مضر به شخصیت افراد می‌باشد.

کارل راجرز^{۳۱۳}، معتقد است تمامی افراد باید حق داشته باشند که افکار و عقاید خود را داشته و بر تقدير و سرنوشت خود کنترل داشته باشند؛ و البته تا جایی که این آزادی به پایمال کردن حقوق دیگران نینجامد، در دنبال کردن علائق خود آزاد باشند (جمعی از نویسنده‌گان، ۱۳۷۴). پروفسور عmad احمد، دانشمند مسلمان و استاد دانشگاه جان هاپکینز مرى‌لنڈ معتقد است: در حالی که حریم خصوصی در اسلام یک حق مسلم به شمار می‌رود، در آمریکا و بسیاری از کشورهای غربی هنوز یک مقوله‌ی بحث برانگیز است (نقل از معمار بهبادی، ۱۳۸۶).

مباحث و اصطلاحاتی را که در آیات و روایات اسلامی درباره‌ی حریم خصوصی و بیان علل و حکمت‌های حمایت از آن به کار گرفته-

اند می‌توان به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

ممنوعیت تجسس و تحسس و تفتیش؛

ممنوعیت ورود به منازل بدون استیدان؛

ممنوعیت استراق بصر؛

ممنوعیت استراق سمع؛

ممنوعیت سوءظن؛

ممنوعیت نعیمه و غیبت؛

ممنوعیت سب و هجو قذف؛

ممنوعیت اشاعه‌ی فحشا و هتك ستّر؛

ممنوعیت خیانت در امانت؛

از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، روایات متعددی درباره‌ی ممنوعیت تجسس و تفتیش نقل شده است. برای نمونه به چند مورد زیر توجه کنید: «إِيَّاكُمْ وَالظُّنُونُ فَإِنَّ الظُّنُونَ أَكْذَبُ الْحَدِيثِ، وَلَا تَجْسِسُوا وَلَا تَحْسِسُوا وَلَا تَنْجِشُوا وَلَا تَدَابِرُوا وَلَا تَأْغِضُوا وَلَا تَوَلِّوْا عَبَادَ اللَّهِ إِخْوَانَكُمْ». «از گمان بپرهیزید؛ چرا که گمان سخن را در گرداد بدروغ آفکند، از کنجکاوی و پاییدن یکدیگر بپرهیزید؛ از حال کسی تفتیش مکنید؛ از یکدیگر تعریف و تمجید مکنید؛ بدخواه یکدیگر نباشید؛ کینه‌ی یکدیگر را به دل مگیرید؛ به یکدیگر پشت مکنید و با بندگان خدا برادروار زندگی کنید».

³¹¹ . Anthropology

³¹² - Injury

³¹³ - Karl Rogers

مفهوم سازی، نظریه بردازی و نوآوری در حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

و یا «إنِّي لَمْ أَمْرُ أَنْ انْقَبَ عَنْ قُلُوبِ النَّاسِ وَ لَا أَشْقِ بَطْوَنَهُمْ». ^{۱۴} «من مأمور نگشته‌ام دل‌های مردم را بشکافیم و از افکار درونی آنها آگاه شوم». همچنین این حدیث که «من رأى عورة فسترها كمن أحيا موؤودة». «هر کس عیب کسی را بپوشاند مانند این است که زنده به گوری را نجات داده است» (انصاری، ۱۳۸۶).

تأمل در مجموع این آیات و روایات، فوق نشان می‌دهد که برخی از امور مردم به طور مطلق مصون از تجسس دیگران اعلام شده است (ضابطه‌ی نوعی)، و تجسس در برخی دیگر از امور به دلایل خاصی تحريم شده است.

اختصاص امر به معروف و نهی از منکر به تخلفات آشکار:

اختصاص وظیفه‌ی نهی از منکر به موارد آشکار، حکمی است بسیار مترقی و روشن‌فکرانه و سازگار با موازین حقوق بشر، لیکن آنچه در این امر اهمیت دارد این است که روشن شود فقهایی که به طبع شریعت اسلامی خود، حساسیت خاصی روی وقوع منکرات نشان می‌دهند و هدف نهی از منکر را قطع منکرات و اقامه‌ی معروف‌ها می‌دانند و تا رفع هر منکری و بسط هر معروفی، وظیفه‌ی «امر به معروف و نهی از منکر» را باقی و ثابت می‌دانند، چگونه و با چه استدلالی مقناع شده‌اند که به رفع منکرات ظاهری قناعت کنند و از منکرات فراوانی که در خنا رخ می‌دهد چشم بپوشانند.

با مراجعه به آثار فقهی شیعه و سنی می‌توان به دلایل زیر استناد جست:

حرمت تجسس:

از آنجا که وظیفه‌ی محتسب جلوگیری از منکرات و محرمات است نمی‌تواند برای این کار، خودش مرتكب منکر شود؛ زیرا به حرمت تجسس در قرآن تصویر شده است ^{۱۵} و شاید که حرمت تجسس شدیدتر از حرمت منکری باشد که محتسب برای نهی آن تجسس می‌کند.

اولویت امنیت:

اصل امنیت و ضرورت آن به قدری مسلم و واضح است که هم عقلاء و هم شرعاً بر همه اصول دیگر اولویت دارد؛ امنیت به قدری مهم است که امام علی(ع) به خاطر آن تن دادن به یک حاکم فاسق و فاجر را هم جایز می‌داند. به تعبیر یکی از محققان در بی‌نظمی مفسدahای هست که از مفسدahای منکر کمتر نیست و لذا نباید با ایجاد مفسدahای بزرگ‌تر مفسدahای کوچک‌تر را از بین برد، همچنان که در شروط امر به معروف هم آمده است که این فریضه به شرطی واجب است که در انجام آن مفسدahای نباشد ^{۱۶}.

وجوب استئثار معاصی:

با نگاهی به متون اسلامی می‌توان دریافت که مقصود اسلام از ایجاد یک نظام حقوقی و سیاسی به هیچ عنوان مبارزه با مجرم نیست، بلکه مبارزه با جرم است؛ بنابراین هدف این نیست که همه‌ی مجرم‌ها به طور کامل به مجازات برسند، بلکه مسأله بالاتر از این حد است و وظیفه‌ی مسلمانان این است که در صورت دیدن یک گناه آن را بپوشانند و کسانی که سعی در افشاء عیوب دیگران دارند مورد سرزنش واقع شده‌اند.

وقتی نگرش یک مکتب به تخلفات چنین باشد، چگونه ممکن است کسی تصور کند که برای «امر به معروف و نهی از منکر» هجوم به خانه‌ها و شکستن دیوارها و استراق سمع و تجسس و در کل تجاوز به حریم خصوصی جایز باشد (رضایی راد، ۱۳۸۴).

محدوده‌ی امر به معروف، هر کار نیکوبی اعم از واجب و مستحب، و محدوده‌ی نهی از منکر هر کار زشتی اعم از حرام و مکروه است. با دققت در این تعریف درمی‌یابیم که وظیفه‌ی والیان «امر به معروف و نهی از منکر» بسیار گسترده است و این گستردگی وظایف مستحب باعث به وجود آمدن این شبهه شده است که «امر به معروف و نهی از منکر» به صورت نوعی دخالت ناروا در زندگی خصوصی مردم و نقض

مفهوم سازی، نظریه پردازی و نوآوری در حوزه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

آزادی‌های مشروع جلوه‌گر شود. پدیدار شدن این شیوه شاید ناشی از فهم نادرست شرایط وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» باشد که در موارد تجاوز به حریم خصوصی مورد بی‌توجهی واقع می‌شود. این شرایط به قرار زیر است:

۱- آگاهی داشتن از معروف و منکر: «امر به معروف و نهی از منکر» باید بر اساس شناخت معروف و منکر باشد. در بسیاری از آیات (به طور مثال حجرات، ۱۲ و نجم، ۲۸) تأکید شده است که بر اساس آگاهی گام بردارید و از سوءظن بپرهیزید. بر اساس حدس و گمان در خصوص ارتکاب منکر که به ویژه در مورد قصد و نیت فرد شدت می‌یابد، نمی‌توان اقدام به امر به معروف یا نهی از منکر نمود.

۲- احتمال تأثیر: دومین شرط «امر به معروف و نهی از منکر» این است که انسان احتمال بدهد امر و نهی او در دیگران مؤثر واقع می‌شود. اگر فرد واقعاً علم و قطع به عدم تأثیر کلام خود داشته باشد، در غالب موارد می‌تواند از این امر خودداری کند. لازم است بین این دو عبارت «علم و قطع داشتن به عدم تأثیر» و «علم و قطع نداشتن به تأثیر» تفاوت قابل شویم. اولی، وجود را ساقط می‌کند اما دومی خیر!

اما درباره احتمال تأثیر، باید اذعان داشت که در اکثر موارد، سخن حق تأثیر خود را بر جای می‌نهد و امکان ندارد کلام عالمانه کلامی بی‌تأثیر باشد. از سوی دیگر، اگر در احتمال تأثیر، به همین بهانه که چنین احتمالی نمی‌رود، وظیفه‌ی نقد و انتقاد و مسئولیت اجتماعی و امر و نهی تعطیل شود، جامعه از این امر زیان خواهد دید. پس در بررسی این شرط ابتدا باید دانست که هر سخن حقی تأثیری هر چند اندک خواهد داشت و همواره به بهانه‌ی نبودن احتمال تأثیر نمی‌توان از یک مسئولیت اجتماعی بزرگ شانه خالی کرد.

همچنین فرازهای مختلف زمانی و موقعیت‌های گوناگون مکانی، ممکن است منشأ آثار متفاوتی بر انسان باشد، چنین نیست که این وضعیت‌های مختلف بارهای مشابهی داشته باشند. حتی شرایط اجتماعی و پیوندهای آدمیان با هم نیز زمینه‌ی تأثیرپذیری عمیقی را فراهم می‌آورد (باقری، ۱۳۸۸). امر به معروف و نهی از منکر نیز می‌تواند با توجه به شرایط حاکم و با تیزهوشی بهترین موقعیت را برای ارشاد خود در نظر بگیرد.

۳- پافشاری خطکار بر ادامه‌ی عمل خلاف خویش: سومین شرط این است که شخص مجرم بر ادامه‌ی عمل خلاف خویش پافشاری داشته باشد. پس اگر آثار پشمیانی در او آشکار شد یا این که خود از عمل خلاف خویش دست کشید، در این صورت نهی از منکر ساقط است. اهمیت فوری بودن بازخورد در تأثیرگذاری بر رفتار (مطلوب یا نامطلوب) در نظریه‌ی رفتارگرایی^{۳۱۷} در روان‌شناسی، تأییدی بر این نوع اقدام است.

صاحب کتاب جواهر (به نقل از معمار بهبادی، ۱۳۸۶) در شرح عبارت بالا می‌نویسد: در صورتی که ما از قرائی یقین پیدا کنیم این مطلب مورد توافق است و هیچ گونه ایجاد و اشکالی هم بر آن وارد نیست؛ چرا که دیگر موضوعی برای «امر به معروف و نهی از منکر» باقی نمی‌ماند، بلکه می‌توان گفت در چنین شرایطی امر و نهی حرام است، چنان که بسیاری از فقهاء بر آن تصریح فرموده‌اند. بدیهی است اقدام به سرزنش و تثبیت حقانیت خود و مانند اینها که به شکل اولی مجاز نیست.

خلاصه‌ی کلام این که تعرض به دیگران و هتك حرمت آنان، مخالف «اصل تسلط هر شخص بر خویش» است؛ پس جایز نیست، مگر این که وی مرتكب منکری آشکار شده باشد که در این صورت واجب است وی را از انجام آن برحدتر داشت، پس در صورت شک ابتدایی و به مجرد احتمال، قطعاً تعرض به وی و تفتیش و تجسس جایز نیست؛ «ولا تجسسوا» دستور صریح خدای قادر متعال است.

۴- خالی بودن از مفسده: چهارمین شرط این است که بر نهی از منکر مفسدahای وارد نباشد. پس اگر گمان برود که در اثر نهی از منکر زیانی متوجه جان، آبرو یا مال او یا یکی از مسلمانان می‌گردد، در این صورت وجوب ساقط است. البته به نظر می‌رسد گاهی اوقات، افراد از ترس تجاوز به حریم خصوصی افراد از این تکلیف مهم شانه خالی می‌کنند، که در اصل موانع ذهنی است که مانع از عمل می‌شود. در جایی که احتمال مفسده (مثلاً درگیری لفظی یا فیزیکی یا قطع صله‌ی رحم یا بهم خوردن مجلس عروسی یا مانند اینها) وجود دارد می‌توان به روش‌هایی عمل کرد که ایجاد مفسده به آن وارد نباشد و روی فرد هم تأثیر بگذارد. مثلاً هنگامی که در مجلسی، منکری رخ

³¹⁷ - Behaviorism

می‌دهد و فرد قادر به نهی از آن منکر نیست، مجلس را ترک کند، و یا با اخم کردن عدم موافقت خود را اعلام کند. محروم کردن^{۳۱۸} دیگران از «تقویت‌کننده‌های اجتماعی»^{۳۱۹}، یا رویه‌رو کردن آنها با «محرك‌های آزارنده»^{۳۲۰} اجتماعی، خود نوعی از روش‌های تغییر و «اصلاح رفتار»^{۳۲۱} محسوب می‌شود. تحت این شرایط سرزنشی متوجه فرد نیست، زیرا نه به حریم کسی تجاوز شده و نه مفسده‌ای به آن وارد است.

حریم خصوصی و آزادی:

یکی دیگر از مقاهیمی که در بحث حریم خصوصی عنوان می‌شود مسئله‌ی آزادی است. از این منظر سؤال این است که آیا «امر به معروف و نهی از منکر» با آزادی انسان در تعارض است؟

با این که «امر به معروف و نهی از منکر» برای حفظ امنیت، که ضروری‌ترین نیاز جامعه است و برای ضمانت اجرای قانون و احیا و تداوم ارزش‌های اخلاقی و حتی برای حفظ حدود آزادی، ضروری اجتناب‌ناپذیر است و در تمامی ملل دنیا به نوعی مورد قبول و اجراست، اما در مواردی که این وظیفه از حوزه‌ی مسائل اجتماعی، خارج و به مسائل شخصی و اخلاقی وارد می‌شود، انتقاد شدید بعضی از نظریه‌پردازان و مکاتب برانگیخته می‌شود و از تضاد میان آزادی و «امر به معروف و نهی از منکر» سخن به میان می‌آید. در این زمینه می‌توان به یکی از فلاسفه و نظریه‌پردازان معاصر غرب در زمینه‌ی لیبرالیسم و آزادی اشاره کرد. آیزا برلین (به نقل از معمار بهلابادی، ۱۳۸۶)، پس از آن که تلقی غرب از آزادی را با جدا شدن آزادی فردی از مداخله دولت و کلیسا، و رهایی فرد از دخالت دیگران در عرصه‌های شخصی عجین می‌داند، می‌نویسد:

اگر دیگران مرا از آنچه بدون دخالت آنان انجام خواهم داد بازدارند، به همان اندازه‌ی دخالت دیگران، آزادی خود را از دست داده‌ام و اگر دیگران این حوزه را بیش از حد معینی محدود کنند، در آن صورت می‌توان گفت که من در اجبار یا شاید در بندهم اجبار عینی دخالت عمدی دیگران در حوزه‌ای که فرد بدون مداخله‌ای آنان در آن حوزه عمل می‌کند.

این نوع تلقی از مفهوم آزادی که با انگاره‌های انسان‌محورانه^{۳۲۲} سکولاریسم^{۳۲۳}، عقلانیت‌گرایی^{۳۲۴} غربی و در یک کلام لیبرالیسم^{۳۲۵} اسلامی عجین است، وجه مشترکی با «امر به معروف و نهی از منکر» پیدا نمی‌کند و عملًا از این دو فرضیه‌ی الهی به محدود کردن، در بند کشیدن اراده‌ی دیگران، و در نهایت سلب آزادی تعبیر می‌کند. پس غریبان از دو جهت با «امر به معروف و نهی از منکر» مخالفت می‌کنند: مخالفت با «امر به معروف و نهی از منکر» به عنوان نهادی برای مبارزه با انحرافات (حقوقی - سیاسی).

مخالفت «امر به معروف و نهی از منکر» با آزادی بشر. که در پاسخ به نقد اول به آنها باید گفت که وجود پلیس در همه‌ی کشورها نشان‌دهنده‌ی ضرورت وجود یک نیروی وادارکننده و سازمان‌دهی کننده‌ی اعمال شهروندان است که هیچ‌کس نمی‌تواند منکر آن باشد (هس، ۱۳۸۲، ص ۲۴). بدیهی است عدم پذیرش و مخالفت با قوانین شهروندی، معادل هرج و مرچ‌گرایی^{۳۲۶} است که مقبولیت عامی ندارد.

از پاسخ‌هایی که به سؤال دوم داده شده این است که تفسیرهای غربی و بی‌قید و شرط از آزادی، مورد قبول اسلام نیست. مفهوم غربی آزادی که عمدتاً با نگاهی از روی علاقه به رهایی از برخی تعلقات و قراردادهای اجتماعی و با نگاهی صرفاً انسان‌محورانه و سکولار عجین است، با مبانی اسلام و بلکه هر دینی که بر مبنای توحید و نبوت و معاد استوار باشد ناسازگار است. هرچند که انسان، طبق آیه‌ی

^{۳۱۸} - Deprivation

^{۳۱۹} - Social Reinforcement

^{۳۲۰} - Aversive Reinforcer

^{۳۲۱} - Behavior modification

^{۳۲۲} - Humanistic

^{۳۲۳} - Secularism

^{۳۲۴} - Rationalism

^{۳۲۵} - Liberalism

^{۳۲۶} - Anarchism

قرآن (بل یرید الانسان لیفجر امامه^{۳۲۷}) مایل به آن باشد. اگر مفهوم آزادی این باشد که در حوزه‌ی شخصی خود کاملاً آزاد باشیم و هرگونه تصمیمی برای خود بتوانیم بگیریم؛ اسلام و بلکه هر دین الهی با آن مخالف است. مفهوم نبوت این است که خالق را لایق تر از مخلوق برای وضع قوانین بدانیم و او را به راه و رسم خوشبختی پسر آگاهتر بشناسیم^{۳۲۸}. اگر بنا بود خود برای خود تصمیم بگیریم چرا خداوند پیامبر را فرستاد؟ فرستادن پیامبر از جانب خداوند به این معنی است که او قصد دخالت در زندگی ما را دارد، دخالتی که جز سعادت ما نیست. لذا مشخص است که آزادی مطلوب اسلام، بی قید و شرط نیست. انسان به حال خود و در بند هوای نفسانی رها نشده است. البته متفکران غربی نیز، فی‌الجمله با آزادی بی‌قید و شرط موافق نیستند. نظریات گوناگونی در این زمینه قابل اشاره است؛ از جمله نظریات افلاطون^{۳۲۹} (در بحث فضیلت خویشتن‌داری^{۳۳۰}، روسو^{۳۳۱} (در بحث ارزش انسان، آزادی و ندای وجود)، کانت^{۳۳۲} و نظریه‌پردازان وجودگر^{۳۳۳} که در این زمینه سرآمد دیگران هستند. کاربرد مفاهیم «آزادی از...» و «آزادی برای...» نیز مخالفت با آزادی بی قید و شرط را به خوبی نشان می‌دهد.

محدودیت علم، ناتوانی بشر از پیش‌بینی آینده و نیاز بشر به نظارت دائمی به دلیل فراموش‌کاری و غفلت ذاتی، دلایل دیگری هستند که خودمختاری کامل بشر را در اتخاذ تصمیم برای خودش که مقتضای اولمانیسم الحادی است مورد تردید قرار می‌دهند و ضرورت دخالت خداوند در زندگی بشر و ضرورت وجود «امر به معروف و نهی از منکر» را به اثبات می‌رسانند (جمعی از نویسنگان، ۱۳۷۴).

بد نیست خاطرنشان گردد که چه بسا آنان که دچار انحراف و آسیبی شده‌اند، بعضاً در بررسی علل آسیب خود از اثربذیری از دوستان ناشایست یاد می‌نمایند و از اعتنایی یا عدم احساس مسئولیت دیگران بدویه نزدیکان خود در پیش‌گیری از انحرافاتشان انتقاد می‌نمایند. از این زاویه، «امر به معروف و نهی از منکر»، به درستی یک فریضه نامیده شده است. «امر به معروف و نهی از منکر»، حقی نیست که فاعل به آن، هر گاه بخواهد از آن استفاده کند و هر گاه نخواهد او را چه باک. این تکلیفی است که در صورت بروز شرایط، بر اوست. همنوعان او نیز حق دارند تا در برابر این تکلیف، از او بازخواست نمایند و از این‌روست که گاهی تر و خشک با هم می‌سوزند. این جاست که حریم خصوصی افراد (یعنی احترام به آزادی آنها و حق انتخاب آنها) نه تنها مانع برای «امر به معروف و نهی از منکر» نیست بلکه عامل برانگیزاننده‌ای برای آن کسی است که به دلیل برخورداری از علم و آگاهی نسبت به معروف و منکر، در حق برادر دینی خود با احساسی مشققانه و نه خودخواهانه یا تابخردانه، ادای تکلیف نماید.

همان‌گونه که اشاره شد ضرورت دخالت خداوند در زندگی بشر و وجود «امر به معروف و نهی از منکر» برای تأمین سلامت ابدی انسان است. لذا اسلام افزون بر آن که فساد و انحرافات اخلاقی را در همه‌ی ابعادش منمنع و به عنوان یک معضل اجتماعی و آفتی تباه کننده از آن یاد کرده است، گامی فراتر گذاشته و ارتکاب این امور را حتی در مخفیگاهها و دور از چشم مأموران حکومتی هم منمنع و به پیروان خود توصیه کرده است که حتی اگر پلیس حکومتی هم حضور نداشت، باید از خداوند متعال شرم کنند^{۳۳۴}. به آنان که خود را از عذاب و تعقیب مأموران حکومتی پنهان کرده‌اند، هشدار می‌دهد که به محاکمه‌ی روزی که هیچ‌کس را از آن گزینی نیست بیندیشند و باز از این هم فراتر می‌رود و اجازه می‌دهد که پیروان این مکتب به خاطر هر معصیت و ترک واجبی تأدیب شوند (معمار بهابادی، ۱۳۸۶).

از منظر اسلام، آزادی یک امانت یا به دیگر سخن، مسئولیتی است همراه با آگاهی نسبت به حق و پاییندی به آن و فانی شدن در آن. از این دیدگاه آزادی این است که مسئولیت خود را به صورت مثبت به انجام رسانیم و با انجام آنچه خدا بدان امر فرموده و وانهادن

.۳۲۷ - قیامه، ۵.

.۳۲۸ - انعام، ۴۰، ۵۷، ۶۲.

^{۳۲۹} - Plato

^{۳۳۰} - Temperateness

^{۳۳۱} - Rousseau

^{۳۳۲} - Kant

^{۳۳۳} - Existentialist

مفهوم سازی، تغیریه پردازی و نوآوری در حوزه‌ی امو به معروف و نهی از منکر

آنچه خداوند از آن بازداشتہ است، داوطلبانه به تکلیف خود عمل کنیم و در نتیجه شایسته‌ی رسیدن به مرتبه‌ی خلیفگان خداوند و اولیای صالح او شویم. همه‌ی سوگیری‌های اندیشمندان اسلامی درباره‌ی آزادی، بر گرد این مفهوم می‌چرخد. شاید مرحوم علامه مغربی، عالل فاسی، متفکر سودانی حسن ترابی، فیلسوف مسلمان پاکستانی محمد اقبال لاهوری و اندیشمند الجزایری مالک بن نبی و همچنین استاد محمد فتحی عثمان از برجسته‌ترین کسانی باشند که مفهوم آزادی در اسلام را به روشنی ترسیم کرده‌اند. استاد فاسی بر این عقیده است که آزادی «یک جعل قانونی است و نه یک حق طبیعی. بنابراین اگر نزول وحی نبود انسان نمی‌توانست به آزادی برسد... انسان آزاد آفریده نشده است، بلکه برای آن آفریده شده است که آزاد باشد». به سخن دیگر، آزادی یک تلاش و مبارزه در راه بندگی خداوند است، نه رهایی حیوانی (راشد غنوشی، ۱۳۸۱).

بنابراین آزادی و «امر به معروف و نهی از منکر» لازم و ملزم هم هستند. آزادی باید باشد تا «امر به معروف و نهی از منکر» صورت بگیرد و «امر به معروف و نهی از منکر» باید باشد تا آزادی سلب نشود و آزادی‌های سلب شده بازگردانده شود (قدرتان قراملکی، ۱۳۸۲).

نتیجه گیری:

هر کسی آزادانه می‌تواند در چارچوب محصور خانه‌ی خویش هر گناهی مرتکب شود و کسی حق تجسس و تحسس ندارد؛ اما انجام گناهان و انحرافات اخلاقی به صورت آشکار و در انتظار عمومی چون حریم عمومی را هدف قرار می‌دهد، با محدودیت مواجه می‌شود و «امر به معروف و نهی از منکر» از طریق نهادهای رسمی مثل نیروی انتظامی و به صورت فردی، پا به میدان می‌گذارند و اجازه نمی‌دهند که فرد به محیط و اجتماع خود صدمه بزند. در کل باید گفت در جایی که بین حریم خصوصی و حریم عمومی تعارض وجود دارد، حریم عمومی مقدم است. بنابراین، «امر به معروف و نهی از منکر» به تبع آنکه پاکی و طهارت جامعه، جزء حقوق عمومی جامعه‌ی مسلمانان است، یک حق و فراتر از آن یک تکلیف عمومی به شمار می‌رود. در بررسی حریم خصوصی و آزادی می‌توان به این نتیجه رسید که حق انتخاب، اندیشه و ایمان، از سنخ امور درونی است و اکراه و اجبار در آن راه ندارد. بنابراین مدام که عقیده امری درونی است، نه تحمیل پذیر است و نه می‌شود به خاطر آن با کسی جنگید؛ اما اگر فرد عقیده‌ی خود را ابراز کند و بر ضد امنیت جامعه‌ی متدينین اقدام کند چون دین حقی از حقوق عمومی است، بنابراین چون حقوق عمومی بر حقوق فردی مقدم است، برخورد با فرد مخالف لازم می‌شود.

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی.
- آلتمن، ایروین، محیط و رفتار اجتماعی، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام. مترجم: علی نمازیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲.
- اصغری، سید محمد، مسئولیت همگانی در پرتو امر به معروف و نهی از منکر همراه با مقاله‌ی شوراها و مشارکت مردم. انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.
- امام خمینی، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی، استخراج و تنظیم معاونت پژوهشی مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۳۷۸.
- انصاری، محمد جواد، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی. انتشارات مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۷۹.
- انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی. انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول. چاپ نوزدهم، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۸.
- جمعی از نویسنده‌گان، معارف اسلامی جلد ۱ و ۲، چاپ بیست و چهارم، انتشارات سمت، ۱۳۷۴.
- خمینی، روح الله، تحریرالوسیله. چاپ دوم، قم، مؤسسه‌ی مطبوعات دارالعلم، بهار ۶۸.
- خمینی، روح الله، صحیفه‌ی نور. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴.
- راشد غنوشی، آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی. مترجم: حسین صابری، چاپ اول، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.
- رضایی راد، عبدالحسین، بررسی فقهی روش‌های اجرایی امر به معروف و نهی از منکر. پایان نامه‌ی دکترا، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده‌ی الهیات، ۱۳۸۴-۱۳۸۳.
- ریکی ال جورج، ترز اس. کریستیانی، روان‌شناسی مشاوره (نظریه‌های، اهداف و فرآیندهای مشاوره و روان درمانگری). ترجمه‌ی رضا فلاحتی و محسن حاجیلو، چاپ دوم، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، پاییز ۱۳۷۷.
- فلاحزاده، محمد حسین، آموزش فقه. چاپ بیست و سوم، قم: انتشارات الهادی، تابستان ۱۳۸۴.
- قدردان قراملکی، محمدمحسن، آزادی در فقه و حدود آن. چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۲.
- قرائتی، محسن، «امر به معروف و نهی از منکر». سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۸۴.
- محسنیان، سید علی، ورود رسانه‌ها به حریم خصوصی. پژوهش و سنجهش، رسانه و حقوق، شماره ۳۹ و ۴۰، سال یازدهم، زمستان ۱۳۸۳.
- معمار بهابادی، راضیه، بررسی فقهی و حقوقی حریم خصوصی. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد، تابستان ۱۳۸۶.
- نوری، حسین، امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه‌ی بزرگ. ترجمه‌ی محمد محمدی اشتهرادی، مرکز انتشارات (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه‌ی علمی قم)، چاپ پنجم، ۱۳۷۵.
- هس، کارن ام، پلیس در اجتماع. ترجمه: رضا کلهر، چاپ اول، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۲.